

# کنگره جهانی یو گیان

- ۲ -

## اختلاف آموزش شرق و غرب

چو طهارت نبود کعبه و بتخانه یکی است  
نبود خیر در آن خانه که عصمت نبود

### آموزش شرقی :

در بالا گفتیم که روش تعلیم و تربیت در هند باستان بر اصول «گوروکول» (۱) اداره میشد یعنی «خانان استاد» ، استادی که دانشجویان را مانند فرزندان خود میپذیرفت و ازجان و دل گرامی میداشت و آنها را در محیط تقوا و طهارت و معرفت تربیت میکرد. هدف آموزش و پرورش در گوروکول ساختن و پرداختن «آدم تمام» و «انسان کامل» بود ، نه اینکه فقط يك «دبيلما» خشك خودخواه بلند پرواز دروغ پرداز و يا يك «مكانيك» كوته بين خداشناس تربیت کند .

محیط گوروکول محیط خدمت و محبت و فضیلت بود ، بهمین مناسبت گفتگو از مادیات در میان نبود و «حق التعلیم» دریافت نمیشد بلکه دانشجویان را مجاناً شبانه روز نگاه میداشتند و بکار میگماشتند تا در همه وقت مراقب رفتار و گفتار و کردار آنان باشند و همه هزینه آنها از خوراك و پوشاك و تعلیم و تربیت بلاعوض بود زیرا مدرسه «نم البدل» محیط خانواده شناخته میشد ، یعنی همچنانکه پدر بی اجر و مزد و بدون توقع و انتظار پاداش فرزند را از جان و دل میپروراند و بزرگ میکند و تعلیم میدهد ، «گورو» هم «چلاهای» (۲) خود را همینگونه با چشم عطف و محبت مینگریست و جسم و جان و اخلاق و ایمانش را نیرو میبخشید .

برای اینکه دانشجویان علاوه بر فرا گرفتن دروس علمی و اخلاقی و مذهبی مردان کار و کوشش بیار آیند و اعتماد بنفس پیدا کنند و خدمتگذار جامعه باشند ، در ازای تعلیم و تربیت و نگهداری مجانی ، خدمت به گورو و به گوروکول را برعهده داشتند . یعنی در سازمان وسیع گوروکول يك نفر نوکر و مزدور یافت نمیشد بلکه همه اعضاء این خانان علم و ادب از معلمین تا متعلمین هر يك وظیفه برعهده داشتند و محیط مدرسه را خانه خانان خود میدانستند و از خدمت و همکاری در این محیط لذت میبردند و افتخار میکردند در گوروکول دروس اخلاقی و تعالیم مذهبی اجباری بود یعنی در پیشاپیش همه دروس

۱ - Gurukul «گورو» یعنی استاد ، معلم ، مرشد ، مربی ، «کول» یعنی خانان

۲ - Chella یعنی دانشجو

دیگر قرار داشت : از نظر گوروکول دانشجو نخست باید آدم شود :

تن آدمی شریف است بجان آدمیت  
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

ورنه ، چه سود علم بیاموزد و بهای «آدمیت» را نداند و خود را نشناسد و در زمره «ددان دوپا» درآید ؟ مگر نگفته اند :

چه دزدی با چراغ آید ، گزیده تر برد کالا !

ونگهی ، مهم این نبود که دانشجویان از روی کتاب دروس اخلاقی و ایمانی را بیاموزند ، بلکه خود معلمان بایستی در عمل نمونه اعلاای این دروس و این روش برگزیده باشند : تابش تقوا و طهارت و نور عفت و عصمت و فروغ و نجابت و شرافت از پیشانی آنها بدرخشد و خاندان گوروکول را روشن سازد تا بردل دانشجویان بنشینند و بر جان آنها بدمد و روشن سازد .

برای تحکیم این اساس «انسان سازی» معلمان تاهل اختیار نمیگردند و تشکیل عائله نمیدادند و از خود فرزند نمیداشتند تا مبادا میان دو گروه فرزندان تبعیض احساس شود و مفسده بر خیزد ، بلکه این آزادگان وارسته و دلباختگان از خود درسته چنان مستغرق در پهای بیکران کمال انسانی بودند که شهوت حیوانی در آنها مرده بود و نیروی نهفته جنسی را تا آخرین قطره و تا آخر بن روز زندگی در راه انجام وظیفه مقدس معلمی و فروغ بخشیدن به محیط دنیای دون بکار میبردند . علمای روانشناس روشن ضمیر خوب میدانند که تمایلات جنسی و انکس تحریکات روانی است : مانند آتش است که هر چه بیشتر هیزم در آن بریزند بیشتر شعله ورمیشود ، شهوت هم هر چه بیشتر در اندیشه پیروانند و دنبالش بدون واورادر دل خود جای دهند و تحریک کنند آتش شهوت تیز تر میشود و وجود شهوترانان رامیسوزاند ، برخلاف نظریه روانشناسان گمراه کومه بینی مانند فروید یهودی اطریشی که در اثر فریضه غلط خود در زیر عنوان «روابط جنسی» گناهی بزرگ نسبت به عالم انسانیت و اصول طهارت مرتکب شد و با این فریضه حیوانی یادگاری ننکین از خود بیاد گذاشت و گذشت که اینک در عصر ما موجب مزید گمراهی و شهوترانی جوانان گشته و آفاتی پدیدار ساخته که نمونه از آن بقرار زیر است :

### آموزش غربی

چون دامنه این بحث مهم بسیار دراز است ، محض اختصار تنها بذكر يك مورد که خود شاهد و ناظر بوده ام بسنده میکنم :

در زمان جنگ بین المللی دوم یعنی ۲۳ سال پیش که روزنامه مهر ایران را دایر نموده و منتشر میساختم ، هر چند علیه ستمگرهای دولت انگلیس و تجاوز با ایران در زمان جنگ و از وحشیگریهای شرم آور سر بازان این دولت متعددی قلمفرسائی میکردم و دادمظلومیت ایران و ایرانیان را منعکس مینمودم با نتیجه مرا در « لیست سیاه » دولت انگلیس که متحد و هم پیمان دولت آمریکا در زمان جنگ بود قرار دادند و انواع اذیت و آزار بردن روا میداشتند ، مع هذا دولت آمریکا با مخالفت شدید «سر ریدر بولارد» سفیر کبیر دولت انگلیس که سیاستمداری سخت گستاخ و خشن و متکبر بود و با من دشمنی میورزید ، دولت آزادیخواه آن روز آمریکا مرا

با تفاق آقایان مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات و دکتر مصباح زاده مدیر روزنامه کیهان و ابوالقاسم امینی برادر آقای دکتر امینی مدیر مجله امید بعنوان نخستین عیثت مطبوعاتی ایران بآمریکا دعوت نمود و با هوای پیمای نظامی به آن سوی رهسپار شدیم زیرا باقتضای زمان جنگ خطوط هوای پیمائی های بازرگانی متوقف شده بودند، ضمن گردش در سرتاسر آمریکا و دیدن مؤسسات متعدد فرهنگی و هنری و صنعتی و نظامی ما را بدانشکده روزنامه نگاری نیویورک که بخشی از توابع دانشگاه کلمبیاست بردند. این دانشگاه یکی از بزرگترین و معتبرترین دانشگاه های جهان است و بالغ بر ۵۰۰۰ دانشجو دارد.

این دانشگاه باقتضای اهمیتی که روزنامه نگاری ویژه در آمریکا داردمافوق لیسانس است. هنگامی که بهیئت اجتماع وارد کلاس این دانشگاه مافوق لیسانس شدیم با تعجب آمیخته با نفرت دیدیم که استاد پشت میز خطایه مشغول سخنرانی است، پسران و دختران بزرگ کرده پهلوی پهلوی نشسته اند، اما چطور؟ یکی از پسران دست گرداگرد گردن دختری که کنارش بود انداخته، سیکاری زیر لب گرفته، پاهارا روی میز بطرف صورت استاد افکنده، يك و ره امیده، بادلدار سرگرم معاشقه است، استاد هم بحکم «دمو کراسی» جرئت ندارد دم بزند و با کمال خون سردی بی اعتنائی شاهد این بی ادبی است، یعنی در میان دانشجویان آمریکائی این رفتار و قبحخانه يك امر عادی و متعارفی است، چرا نباشد؟ چه انتظاری دیگر میتوان از ملتی داشت که «نماز» را در مدارس منع میکنند و در ازای آن «ازادی جنسی» را آزمایش میکنند؟

از اینروست که اینک فساد و فحشاء مانند بیماریهای واگیر طاعون و وبا سرتاسر مدارس آمریکائی را از عالی تادانی فرا گرفته است: روز بروز آمار دزدی و شرارت و بی ناموسی و کشتار و خودکشی و بیماریهای عصبی و روانی و بیماریهای واگیر و مواد مخدره و سقط جنین و تمرود و عصیان بالاتر میرود تا جائیکه ارکان اجتماع آمریکا را بلرزده در آورده و موجب وحشت و اضطراب همگانی شده و هنوز هم این «سیر نزولی اخلاقی» این «ملت تمدن» بسوی «سراسیبی نابودی» ادامه دارد، تاروژی که به «اسفل السافلین» فساد بر سندوسر نوشت «ملت مترقی» آمریکا به داستان اسف انگیز «عاد و ثمود» بپیوندد و در افسانه ها آید و موجب عبرت آیندگان گردد.

ای پدران و مادران شرافتمند و ناموس پرست ایرانی! از این «تمدن» دروغین بر حذر باشید و تکلیف خود را نسبت بعزیزان خود بدانید!

### دوبال: علم و ایمان

مرغ بادوبال میتواند پرواز کند و بالارود، هیچ مرغی نمیتواند يك بال را شکسته بدارد و پرواز در آید و اوج گیرد.

آدمی را هم برای پرواز جان از تنگنای زمین بفرابخان آسمان دو بال بایستی داشتن و جنبش در آوردن: بال علم و بال ایمان.

دیدیم که مرغ فرهنگ باستانی هند چگونه نیروی دوبال علم و ایمان و باوج اعلائی «آدمیت» میرسیدند و سعادت هر دوسرای را تامین میکردند. آنچه را که درباره آموزش و پرورش علمی و اخلاقی هندی بر شمردیم، در ایران باستان هم راست میآید: رجوع شود

به کتا بهای بسیاری که تاریخ نویسانی مانند هرودت و پلوتارخ و گزنفون و غیره نوشته و بیادگار گذارده اند ، بویژه «کورشنامه» گزنفون که طرز تعلیم و تربیت ایران باستان را که کودکی کورش کبیر نمونه از آن بود بتفصیل تقریر کرده است .

اگر ما از معایب و مفاسد تعلیم و تربیت امروزه قلم میرانیم نه از آن جهت است که مخالف علوم متداول این عصر هستیم ، هیچکس نمیخواهد و نمیتواند شترسواری و خرچرانی را بر هواپیما و انومبیل رانی برتری دهد ، بلکه میخواهیم بگوئیم عالم بی ایمان بدتر از مؤمن بی علم است ، اما چه بهتر که هم عالم باشند و هم عارف ، هم بزیور دانش آراسته باشند و هم به نور بینش :

آدمیزاده طرفه معجون است      کز فرشته سرشته وز حیوان  
گر کند میل این ، شود به ازین      ورود سوی آن ، شود پس از آن

هدف از تعلیم و تربیت باید «آدم شدن» باشد . ببینید و انصاف دهید که رفتار و کردار جوانان ما با چه سرعت و حشمتاکی رو بفساد و تباهی میرود : هم خود در رنج و عذاب اند و هم پدران و مادران و استادان خود را رنج می‌دارند و هم جامعه را بسوی تباهی و نابودی میکشانند !

### خطری که از شرق به غرب می آید

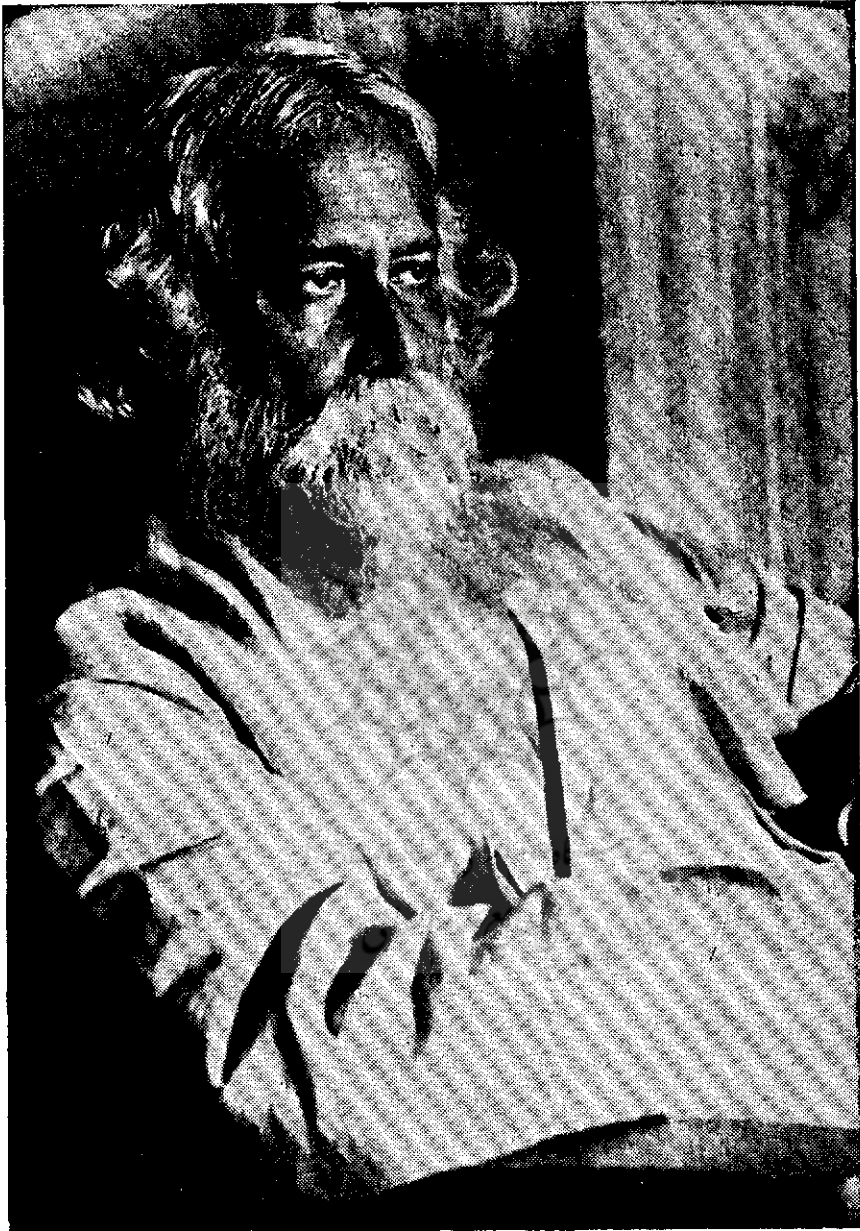
همچنانکه آفتاب عالمتاب از شرق بغرب میرود و فروغ میگستراند ، فروغ دانش بشری از شرق بغرب رفته و تاریکی جهالت غریبان را زدوده و آنها را از توحش به تمدن رسانیده و این ترقی و تعالی غریبان را پی افکنده است . اما در ازای آن : امروزه تاریکی فساد غرب است که از پشت سربسوی شرق روان است تا آفتاب حقیقت را با ابر و قاحت بپوشاند و جهان ما را در تاریکی مرگبار زمام گسیختگی و نابسامانی فروبرد . بلی ، نور ایمان از شرق بغرب تافت ، اما اینک ظلمت و فساد از غرب بسوی شرق روان است .

ما میگوئیم : بگذارید آفتاب معرفت بدون مزاحمت ابر و قاحت بتابد . اجازه دهید از علوم و اختراعات و ابتکارات غریبان بهره بریم بدون آنکه بگذاریم لکه ننگ و بيشرمی آنان بر دامان جوانان ما سایه افکند و دل و دین و دماغ این جوانان را تیره و تار گرداند .

### هوشیاری پیشوایان هند

#### در برابر «غرب زدگی»

در گفتارهای پیشین گفتیم که چگونه رایبندرانان تا گور مخالف غرب زدگی بود و روش ویژه در آموزش و پرورش پی افکنند که اکنون بپیکره دانشگاه « شانتینیکتان » در آمده و سرچشمه دانش و بینش و جایگاه فروغ فضیلت است . هر کس که روزی در این دانشگاه بگذراند تا پایان زندگی از اعتقادی که نسبت بمزایای آن پیدا میکند ازدست نمیدهد و هر کس یکبار در دانشکده هائی مانند دانشکده روزنامه نگاری نیویورک گام بگذارد و با این بی شرمی و گستاخی دختران و پسران روبرو شود و از حالات روحی و احساسات هیجان انگیز و رفتار و کردار زشت آنان آگاه گردد از این «متمدنین» زمام گسیخته و این فرهنگ ننگین آنها دوری میجوید و بر آن راه و رسم نفرین میفرستد .



راین‌درانات تاگور فیلسوف شهیر هند

گاندی هم چون دید این روش آموزش غربی در فرهنگ هند رخنه میکند و اثر میگذارد نگران شد و در سال ۱۹۲۱ مقاله در زیر عنوان «معایب و نواقص روش آموزش» برشته تحریر در آورد و ملت هند را از نواقص این روش آگاه ساخت و خود در امر آموزش روشی معرفی کرد بنام «تعلیم و تربیت اساسی» (۱): گاندی معتقد بود بزرگترین گناه اینست که فرزندان روستائیان که هشتاد درصد ملت پانصد میلیون هندی را تشکیل میدهد تنها «سه آر» (۲) را یاد بدهند بدون اینکه چیزی از لازمه و ضروریات زندگی آینده خود فرا گیرند. نتیجه این تعلیم ناقص اینست که این روستازادگان دیگر بکشتزارها بر نمیگردند و کار کشاورزی را ننگ می‌شمارند و روستاها می‌آوردند و چون کاری بدست نیاورند مایوس و بدبین و بیکاره و بداخلاق میشوند و سربار جامعه فقیر هند می‌گردند و رو به فساد و تباهی می‌آوردند.



مها نما گاندی پیشوای بزرگ هند

البته دانشمندان سیاستمداری مانند گاندی مخالف تعلیمات نوین نبود ولی روش متداولی که انگلیس بر هند تحمیل کرده بودند کافی نبودند و در برابر آن نسبت به روش باستانی هند ارزش قائل بود زیرا که علاوه بر تعلیم «سه آر» علوم عملی یاد میدادند از قبیل کشاورزی، باغداری، دامپروری، معالجات طبیعی، بویژه اصول دین و ستاره شناسی. مثلاً در رشته معالجات طبیعی از خواص طبی گیاهان و معالجه با آب و استفاده از تاپش خورشید و خواص غذاها و انواع ورزشها و تنفسها و بخصوص تسلط بر اندیشه و احساسات و تمیئات و از ستاره شناسی گذشته از معرفت اوقات سال و ماه بوسعت آسمان بیکران و عظمت آفرینش پسی میبردند و سر تعظیم به پیشگاه آفریننده بزرگ فرود میآوردند و بدینسان معتقدات مذهبی و اصول اخلاقی را تقویت میکردند آسمان بیکران و

ستارگان بی شمار خواه نا خواه دیده بصیرت بیننده را بسوی زیبایی آفرینش و بزرگی و آفریننده میکشاید و نور ایمان در دل میدهد.

پس منظور از تعلیم و تربیت این نبود که کودکان کوره سواد پیدا کنند و با دگر کله اندازند و کشاورزی را ننگ بدانند و بیکاره و بیدین بار آیند، بلکه مرد نبرد زندگی شوند و هنر پدری خود را بهتر یاد بگیرند و اعضا سودمند و خدمتگذاری برای جامعه خود گردند پس از آنکه هند استقلال یافت با اقتضای اهمیتی که در زیر رهبر گاندی بویژه نسبت به آموزش و پرورش میدادند اشخاصی مانند مولانا ابوالکلام ازاد که از فحول علمای مسلمان هند بشمار بود برای وزارت فرهنگ برگزیدند. مولانا از رجال بزرگ علم و آداب و سیاست بود، در

1 - Basic Education

2 - 3Rs : Reading, Writing, Anithmetic

خواندن، نوشتن، حساب



ابوالکلام آزاد

زمان استعمار انگلیس  
برهنداز سر بازان فداکار  
راه آزادی و از دشمنان  
سرسخت استعمار بودو  
چند بار بریاست «کنگره  
ملی هند» برگزیده شد  
واز میان آثار برجسته  
اوتفسیر جامعی است بر  
قرآن کریم ، از آنجمله  
تعبیر جالبی است بر کلمه  
« ذوالقرنین » که در  
قرآن آمده ومولانا انرا  
اشاره به کورش کبیر تعبیر  
میکند نه اسکندر مقدونی .  
نهر و ، سیاستمدار بنام و  
نخست وزیر فقید هند پیشرفت  
خود را مدیون تعلیمات  
اومیدانست و در هاتمش  
گریست و فقدان او را  
برای هند جبران ناپذیر  
شناست

ولی افسوس که اینهمه  
مراقبتها در جلو گیری از  
غریزدگی اینک این  
طاعون مهلك و مسری  
بجان جوانان هند افتاد  
و آنها را با انواع خرابکاری

و بیشرمی و ادا سازخته است که شرح آنها از حوصله این مقاله بیرون است

### رواج روش آموزش یوگا

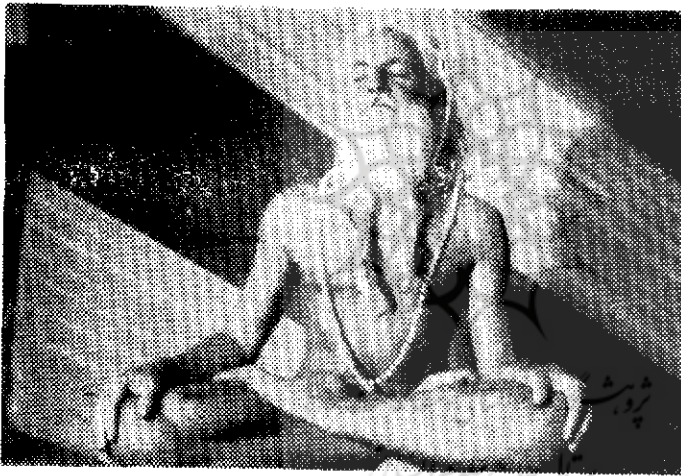
باتوجه باین اوضاع آشفته تربیتی است که اینک يك بار دیگر روش آموزش و پرورش  
باستانی هند بویژه یوگا کسب اهمیت روز افزون نموده تا جائی که دانشکده های دولتی روش  
برگزیده یوگارا پذیرفته اند و جزو دروس رسمی خود قرار داده اند و دانشجویان در علم یوگا  
«لیسانس» میشوند . بطور کلی ملت متفکر هند بیش از پیش با اهمیت و ضرورت یوگا پی برده ،  
هزاران آموزشگاه یوگا در سر تاسر هند تاسیس شده و همه روزه از با مباد پگاه تا دیر گام صد هাজার

هندي ، زن و مرد ، سالخورده و خردسال ، عالی ودانی ، برای تأمین سلامتی جسم و جان با آموزشگاههای یوگا رومی آورند و این علم ارزنده را فرا بگیرند و سلامتی خود را تأمین میکنند .

نه تنها در هند اکنون قدر و قیمت یوگا را دانسته اند بلکه دنیای غرب هم متوجه این حقیقت شده از آن استقبال میکنند کما اینکه امروزه در اغلب شهرهای مهم اروپا و امریکا و حتی استرالیا و زلند جدید یعنی در دورترین نقاط جهان تعلیمات یوگا برقرار شده و نسبت بآن استقبال میکنند حتی در روسیه و لهستان و چکسلواکی و سایر کشورهای پشت پرده آهنین هم رخنه نموده و در مدارس آنها راه یافته است .

### سابقه یوگا

یوگا سابقه بسیار باستانی در هند دارد . یکی از مشخصات یوگا نشستن چهار زانو بوضع خاص بر روی زمین است برای فکر و ذکر و مراقبه و عبادت ؛ فلسفه یوگا سیر و سلوک روحانی است



که سالک را برای اتصال به مبدأ کل اذراء تأمین سلامتی جسم و جان و تصفیه ظاهر و باطن باین مقصود غائی و مرام عالی میرساند . ضمن آثار باستانی که در خرابه های «هارپا» که از مراکز تمدن و فرهنگ باستانی هند بوده کشف شده مجسمه هایی از «یوگی» در حال مراقبه بدست آمده که متعلق به ۵۰۰۰ سال پیش دارد . این خود نشان میدهد که روش

یک نفر یوگی «استرالیائی» در حال مراقبه ، در جلسه رسمی کنفرانس بین المللی یوگیان که در شهر موننگیر هند منعقد گردید

یوگا از ۵۰۰۰ سال پیش در هند متداول بوده ، محققاً پیشینه دیرینه تر داشته زیرا میبایستی سالیان دراز متداول بوده باشد تا اینکه در ۵۰۰۰ سال پیش مجسمه هایی از آن ساخته باشند . در فلسفه یوگا و مزایای بیشمار آن از لحاظ جسمی و فکری و اخلاقی و روحی مکرر در ماهنامه مهر گفتگو کرده و البته باز هم در جای خود مورد بحث قرار خواهیم داد و سودهای فراوان آنرا بگوش هوش خوانندگان گرامی خواهیم رسانید .

مانده دارد